

پیش‌گفتار

کلکتیو ستاره تاریک

با انتشار زیر سنگفرش^۱، ستاره تاریک مجموعه‌ای از جزوات موقعیت‌گرایانه^۲ را که همراه انتشارات شورشی تجدیدچاپ کرده بود، در قالب یک کتاب گرد هم آورد. حال مفتخریم که می‌توانیم که دومین مجموعه خود را منتشر کنیم که در آن جزوه‌های فمینیستی و آنارکوفمینیستی را که با انتشارات شورشی تجدیدچاپ کردیم، گردآوری کرده‌ایم. تمایل داریم از این فرصت برای تصریح این مطلب استفاده کنیم که ما همچنان باور داریم که جزوات نقش مهمی در انتشار ایده‌های آنارشیستی دارند و امیدواریم که بتوانیم به تألیف جزوات ادامه دهیم، همچنین گروه‌های دیگر را به انجام این کار تشویق و از آن‌ها حمایت می‌کنیم. با این حال به عنوان گروهی از افرادی که تجربه‌ی قابل‌توجهی در عرصه انتشار/فروش کتاب‌های رادیکال و تجاری داریم، تصمیم ما مبنی بر گردآوری این مجموعه‌ها واضحاً عملگرایانه است. ما سال‌ها زمان صرف پیگیری انتشار جزوات، مقالات و غیره کردیم و تمایل داریم آن‌ها را تا جای ممکن در دسترس همگان قرار دهیم. در حالی که کتابخانه‌ها تمایل دارند کتاب‌ها را در قفسه‌های تخصصی نگه دارند، که دسترسی به آن‌ها برای «مردم عادی» دشوار است، بعید است که جزوات را آرشیو کنند. تمام جزواتی در این مجموعه تجدیدچاپ شده‌اند، زمانی به سهولت در کتابفروشی‌های محلی که در فضایی دوستانه کتاب‌های رادیکال عرضه می‌کنند یا به شکل گسترده‌تر با سفارش آنلاین از نشرهای رادیکال، در دسترس بوده‌اند و دست به دست می‌شده‌اند. متأسفانه با کاهش کتابفروشی‌ها/فضاهای رادیکال، توقف کار نشرها و تقویت روزافزون کتابفروشی‌های تجاری که هدف اصلیشان کسب درآمد است، این روزنه‌ها کمتر و کمتر می‌شوند و شانس قرارگیری یک کتاب در فضای تجاری بیشتر از شانس یک جزوه در این حوزه است.

هرچند می‌دانیم که این ایراد به ما وارد می‌شود که «چرا باید جزوات قدیمی را تجدیدچاپ کنیم؟»، تردیدی نداریم که این جزوات اهمیتی تاریخی و ادامه‌دار دارند. البته دلیلی نمی‌بینیم که برای تلاش در جهت حفظ و انتقال آثار کلیدی به رفقای جوان‌تر/جدیدتر عذر بخواهیم. با وجود این که آنارشیسم مد می‌شود و از مد می‌افتد، سپردن این وظیفه به نشرهای تجاری بی‌مسئولیتی زنده‌ای به نظر می‌رسد. به عنوان کسانی که روزی در نمایشگاه کتاب آنارشیستی مشارکت کردند و به شکل مرتب از آن بازدید می‌کنند، دفعاتی که با پرسش «آیا چیزی درباره آنارکوفمینیسم دارید؟» مواجه شده‌ایم، تجدیدچاپ این جزوه‌ها را توجیه می‌کند. بدیهی است که

1. Beneath the Paving Stones (2001)

۲. Situationism؛ جنبشی هنری-سیاسی

امیدواریم که تجدیدچاپ این این جزوات بحث دربارهٔ آنارکوفمینیسم را رونق ببخشد و مسائل مطرح شده در این حوزه را به گوش افراد بیشتری برساند. نخستین جزوه‌ای که ستارهٔ تاریک تجدیدچاپ کرد *استبداد بی‌ساختاری* بود که همراه *استبداد/استبداد/استبداد* چاپ شد. این دو که نخست به شکل دو جزوهٔ جدا از هم تجدیدچاپ شده بودند، باهم تحت عنوان *گره‌گشایی: فمینیسم، آنارشیسم و سازمان*^۱ (چاپ مشترک با انتشارات شورشی) مجدداً چاپ شدند. در آن زمان بیشتر اعضای ستارهٔ تاریک گردانندگان کلکتیو کتاب‌فروشی^۲ بودند و با مشکلات متعددی که کلکتیوها و گروه‌های کوچک دیگر نیز با آن دست به گریبان بودند، دست و پنجه نرم می‌کردند. *استبداد بی‌ساختاری*، اگرچه از جنبش‌های بخشی زنان^۳ و دورهٔ آگاهی‌بخشی مرتبط با آن سرچشمه گرفته است (و باید تأکید کنیم که هیچ تمایلی به نسبت دادن این اثر به آنارشیسم نداریم)، فوراً به‌عنوان موضوعی مرتبط به ما، به عنوان گروهی که در تلاش برای تدوین روش‌های غیرسلسله‌مراتبی برای کار هستیم، و به طور گسترده‌تر، مرتبط به بسیاری از گروه‌های لیبرترین^۴ در سراسر کشور، مطرح شد. ما آن را هم به عنوان سندی برای بحث در میان آن گروه‌ها و هم به عنوان جزوه‌ای مستقل تجدیدچاپ کردیم. برای اشاره به تداوم اهمیت این جزوه، به متن زیر توجه کنید:

«افراد بسیار و مختلفی که کنش‌هایی در ارتباط با بریگاد خشمگین^۵ را انجام می‌دادند، چندان با مخفی‌کاری راحت نبودند، چرا که این رویکرد زمانی که از یک حرکت توده‌ای ناشی نشود، به طور اجتناب‌ناپذیری نخبه‌گرایانه می‌شود. از نقطه‌نظر کنونی این امر اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. یکی از مهم‌ترین متون آن زمان *استبداد بی‌ساختاری* بود که نشان داد چگونه رهبری‌های غیررسمی به شکل خاصی غیردموکراتیک هستند و این متن اکنون همچنان موضوعیت دارد، زمانی که ایدئولوگ‌های اینترنتی پتانسیل‌های دموکراتیک آن را با *گزارف‌گویی‌های همه‌جانبهٔ خود تحریف می‌کنند.*» (تأکید از ماست) جان بارکر^۶، نقدی بر کتاب *آنارشی* در *بریتانیا*^۷ نوشتهٔ تام وگ^۸ (ترنسگرشن^۹، شمارهٔ ۴)

«مایلم برخی از نکات در مورد ساختارها را بررسی کنم. در برخی حوزه‌های خاص، مانند زمانی که برای سازماندهی اقدامات فعالیت می‌کنیم، چنین ساختاری (غیرمتمرکز و غیرسلسله‌مراتبی) از نظر نداشتن رهبران

1. *Untying The Knot: Feminism, Anarchism & Organisation* (1984)

2. Bookshop Collective

3. Women's Liberation Movement

4. Libertarianism

5. Angry Brigade

6. John Barker

7. *Anarchy in the U.K.* (2001)

8. Tom Vague

9. *Transgression*

برای تجمعات و موارد مشابه مفید است، اما از نظر سازماندهی این گونه نیست. قطعاً توصیه می‌کنم (اگر هنوز نخوانده‌اید) *استبداد بی‌ساختاری* را در کتاب *گره‌گشایی* مطالعه کنید.

در عمل، این نوع جنبش که از آن حمایت می‌کنید، به تسلط رهبرانی غیررسمی درمی‌آید که از نبود ساختار سود می‌برند (ساختاری که می‌توانست آن‌ها را ساکت کند و افراد مردد و کسانی را که اعتماد به نفس کافی برای بیان ایده‌های خود ندارند، بیشتر در مرکز توجه قرار دهد). چنین گروه‌هایی از مشارکت اکثر افراد طبقه کارگر جلوگیری می‌کنند، چرا که به‌طور کلی نمایانگر آن دسته از کلیشه‌های دوستی هستند که معمولاً در میان حلقه‌های دوستی طبقه متوسطی و بالاخص خارج از اساس جلسات/کنش‌های گروهی وجود دارد...»
عضوی از ای.اف.^۱ در پاسخ به نامه‌ای در شماره ۵۱ مجله *آرگنایز*^۲

در آن زمان معتقد بودیم و هنوز هم بر این باور هستیم که مسائل مطرح‌شده در *گره‌گشایی* متونی کلیدی برای آنارشیست‌ها در درک کنش سازمانی است. (همچنین مطالعه *شوراهای کارگری*^۳، *قدم بعدی معدنچیان*^۴ و تجارب اسپانیا را توصیه می‌کنیم). جزواتی که *گره‌گشایی* را تشکیل دادند تأثیری مستقیم بر ما داشتند. این جزوات به مشکلاتی می‌پردازند که ما به شکل هرروزه با آن‌ها دست به گریبان هستیم. رویاهای شبانه ما مبنی بر تصرف ابزار تولید توسط اتحادیه‌های آنارکوسندیکالیست، ظهور شوراهای کارگری، تصاحب خانه‌ها توسط اجاره‌نشینان و غیره در برابر واقعیت هرروزه تلاش برای اداره یک کتاب‌فروشی رنگ باخت.

مسائلی که این جزوه‌ها مطرح کردند و بازتابشان در بخش‌هایی از جنبش‌های رادیکال آن دوره، نشان می‌دهند که حوزه مشخصی از امکان گفت‌وگو میان گفتمان برخی شاخه‌های جنبش‌های بخشی زنان و جنبش آنارشیستی وجود داشته است؛ دیدگاهی که کتی لوین^۵ به‌صراحت بیان می‌کند:

«مانند خودارضایی، آنارشیسم چیزی است که به شکلی غیرمنطقی و بی‌چون‌وچرا به ما آموخته‌اند از آن بترسیم، زیرا ترس نداشتن از آن ممکن است ما را به کنجکاو، یادگیری و حتی علاقه‌مند شدن به آن سوق دهد. برای هرکسی که حتی یک‌بار این احتمال را در نظر گرفته که خودارضایی می‌تواند مفید باشد نه این که لزوماً به دیوانگی بیانجامد، مطالعه آنارشیسم شدیداً توصیه می‌شود — از اکنون تا دوران مارکس، زمانی که باکونین رادیکال‌ترین هم‌آورد سوسیالیست او بود...»

1. Anarchist Federation (AF)
2. *Organise*
3. *Worker's Councils* (1950)
4. *The Miners' Next Step* (1912)
5. Cathy Levine

گرایش، تمایل یا هرچه که بخواهید آن را بنامید، شروع به ظهور کرد و در نهایت خود را به عنوان آنارکوفمینیسم تعریف کرد. صادقانه نخواهد بود اگر ادعا کنیم که جنبش آنارشیسم با آغوش باز آنارکوفمینیسم را پذیرفت: به گزارش زیر از شماره ۵ مجلهٔ زیرو^۱ (فوریه/مارس ۱۹۷۸) توجه کنید:

«کنفرانس آنارشیست‌های لیبرترین جنوب شرقی و لندن، که اولین کنفرانس از زمان برگزاری کنفرانس وارویک^۲ سه سال پیش بود، در تاریخ ۲۷، ۲۸ و ۲۹ ژانویه در دانشگاه اسکس^۳ برگزار شد. این کنفرانس که با محوریت سیاست و ارتباطات جنسی سازماندهی شده بود، حدود ۱۵۰ نفر را به خود جذب کرد. امیدواریم که این رویداد نقطه عطفی در تاریخ جنبش آنارشیستی باشد.

شب جمعه جلسه‌ای برای برنامه‌ریزی برگزار شد تا کارگاه‌ها و جزئیات دیگر کنفرانس نهایی شود. از بحث بر سر کارگاه‌های از پیش تعیین‌شدهٔ مختص زنان و مردان، مشخص بود که بحث دربارهٔ مسئلهٔ سیاست جنسی احتمالاً کل آخر هفته را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این موضوع زمانی تحقق یافت که کارگاه‌ها آغاز شدند؛ کارگاه‌هایی که به سیاست جنسی مربوط نبودند، به ندرت فراتر از درگیری‌های خصمانه دربارهٔ جنسیت‌زدگی پیش رفتند، در حالی که زمان کارگاه‌های مربوط به سیاست جنسی به ناچار به بحث دربارهٔ اتفاقاتی که در خود کنفرانس رخ می‌داد، اختصاص یافت.

کارگاه زنان با بحثی منسجم و مفید آغاز شد که در آن تلاش کردیم پیوندهای بین درک ما از آنارشیسم و درک ما از فمینیسم را روشن کنیم. در کل، بر ضرورت وجود جنبشی خودآئین برای زنان و توسعهٔ فمینیسم در متن جنبش آنارشیستی توافق داشتیم. برخی از مردان حاضر در کنفرانس هیچ همدلی‌ای با بحث‌های مطرح‌شده نشان نمی‌دادند؛ آن‌ها هیچ نشانه‌ای از جنسیت‌زدگی در جنبش آنارشیستی نمی‌دیدند و اهمیت کمی برای ستم پدرسالارانه قائل بودند. در طول کنفرانس، زنان گاهی اوقات تحقیر شده و حتی مورد اهانت قرار می‌گرفتند و ایده‌هایشان اغلب کم‌ارزش جلوه داده می‌شد — آن هم توسط مردانی که ادعا می‌کردند اظهارات ما دربارهٔ جنسیت‌زدگی^۳ به آن‌ها برخورد است...

برخی از ما با احساس افسردگی کنفرانس را ترک کردیم، هرچند برخی دیگر آنچه را که رخ داد بیشتر سازنده یافتند. در نهایت این کنفرانس جایی بود که سیاست‌های فمینیستی و همجنس‌گرایانه با خشم و زیبایی سر بلند کردند و از کنار رفتن امتناع ورزیدند. کنفرانس اسکس می‌توانست اولین گردهمایی از سیاست آنارشیستی جدید

1. Zero

2. Warwick

3. Essex University

با آگاهی از مسائل جنسی و جنسیتی باشد، اما به جای آن، ما را مصمم کرد که این کنفرانس آخرین نمونه از سبک قدیمی برگزاری کنفرانس باشد. جنبش آنارشیستی تا زمانی که با ستم مردان بر زنان روبرو نشود، قادر به دستیابی به هیچ دستاوردی نخواهد بود...»

تمایل نداریم بر واکنش بخش‌هایی از جنبش آنارشیستی نسبت به آنارکوفمینیسم تمرکز کنیم، بلکه صرفاً می‌خواهیم به‌عنوان آنارشیست به خود یادآوری کنیم که به گونه‌ای شایسته پذیرای چالش‌های جدید نبوده‌ایم. با نگاهی به گذشته، می‌بینیم برخی از ایده‌های آنارکوفمینیسم به‌طور منسجمی در چارچوب ایده‌های رایج آن زمان جای می‌گرفتند. شعار «شخصی سیاسی‌ست» را می‌توان در این سخن برتون^۱ که گفت: «مارکس^۲ از دگرگونی جهان گفت؛ رمبو^۳ از تغییر زندگی...»، در مطالبهٔ موقعیت‌گرایانه برای انقلاب در زندگی روزمره و در سنت به‌مراتب عادی‌تر و ملموس‌تر «چرا همیشه ما باید جای درست کنیم و تایپ کنیم؟» یافت.

خوشبختانه، انتشارات آنارکوفمینیستی خرس سیاه شش جزوه منتشر کرد که مجموعهٔ اولیهٔ حرف‌های درگوشی را تشکیل می‌دادند. مایلیم از این فرصت استفاده کرده و به تعهد آن‌ها به پروژهٔ انتشاراتیشان ادای احترام کنیم؛ پروژه‌ای که بدون آن ایده‌های آنارکوفمینیستی هرگز نمی‌توانستند چنین تأثیری داشته باشند. این جزوات نه تنها دیدی کلی از آنارکوفمینیسم ارائه می‌دهند، بلکه شرحی عالی و روشن از جنبش‌های بخشی زنان و آنارشیسم را در اختیار ما قرار می‌دهند.

همانطور که پگی گرنگر^۴ در آنارشیسم: پیوندی فمینیستی^۵ می‌گوید:

«جنبش معاصر زنان و تحلیل فمینیستی رادیکال از جامعه چیزهای زیادی به تفکر لیبرترین اضافه کرده است. در واقع اعتقاد من بر این است که فمینیست‌ها برای سال‌ها به‌طور ناخودآگاه به لحاظ نظری و عملی آنارشیست بوده‌اند. حال ما نیاز داریم که به‌طور آگاهانه ارتباطات بین آنارشیسم و فمینیسم را درک کنیم و از این چارچوب برای افکار و کنش‌هایمان استفاده کنیم.»

1. André Breton (1896-1966)

2. Karl Marx (1818-1883)

3. Arthur Rimbaud (1854-1891)

4. Peggy Kornegger

5. *Anarchism: the Feminist Connection* (1977)

در یادداشتی بر حرف‌های درگوشی که در زمستان ۱۹۸۵ در مجلهٔ *فمینیست آنارشیست*^۱ می‌خوانیم که: «امیدوارم این سرجستار الهام‌بخش شما برای مطالعهٔ این مجموعه و پیشروی باشد. از دههٔ هفتاد چه بر سر نوشته‌های آنارکوفمینیستی آماده است؟»

مفتخریم به ارائهٔ این مجموعه که با بازنگری گذشته درصدد این است که نه تنها مجموعه‌ای از متون کلیدی گذشته را جمع‌آوری کند، بلکه الهام‌بخش بحث‌ها و گفت‌وگوهای آینده باشد.

کلکتیو ستارهٔ تاریک

1. *The Anarchist Feminist Magazine*